

بررسی علل و عوامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران

روح الله محمدی

دانشجوی دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ایران.

چکیده

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۴۶ تا ۱۵۹ به بحث موانع مسئولیت کیفری اختصاص داده شده است. برای تحقق مسئولیت کیفری، شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می‌شود؛ یعنی تنها فرد عاقل، بالغ و مختار را می‌توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخص وجود نداشته باشد، وی اهلیت کیفری نخواهد داشت. در عوامل رافع مسئولیت کیفری، شخص از مسئولیت کیفری مبرا است ولی مسئولیت مدنی به قوت خود باقی است. اشخاص از جهت مسئولیت کیفری به دو گروه دارای مسئولیت کیفری و اشخاص فاقد مسئولیت کیفری تقسیم می‌شوند. عوامل رافع مسئولیت کیفری به مصادیق مختلفی تقسیم می‌شوند، مصادیقی چون جنون، کودکی، اشتباه، اجبار، اکراه، اضطرار، مستی، خواب، بیهوشی که بسیاری از اساتید علم حقوق این عوامل را علل تام و علل نسبی معرفی می‌کنند. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، قانون مجازات، اکراه، اجبار، اضطرار، جنون.

مقدمه

مسئولیت در لغت به معنای موظف بودن به انجام امور است و در بُعد کیفری به معنای ملزم بودن مجرم به تحمل آثار و نتایج حاصل از جرم تفسیر می‌گردد؛ به عبارتی دیگر هر کس مرتکب جرم شود، در برابر بزه دیده و جامعه مسئول شناخته خواهد شد. حقوق دانان جرم را به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌کنند که از شخصی مسئول سرزده و قانونگذار برای آن مجازات در نظر گرفته باشد.^۱ مسئولیت در معنی عام آن از نظر قانون شامل مسئولیت مدنی و کیفری است که بدون اثبات آن، احقاق حق مفهوم عینی خود را از دست داده و صرف جنبه ذهنی خواهد داشت (میلانی، ۱۳۹۴:۹۳). علل موجهه جرم، عوامل رافع مسئولیت کیفری است که این عوامل، به شرایط شخصی و ذهنی در مرتکب گفته می‌شود که با وجود وقوع جرم، موجب رفع مسئولیت کیفری از فاعل آن می‌شوند. هنگامی که صحبت از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌شود، در مورد آن باید گفت که عمل انجام شده، جرم است اما به دلایلی از قبیل جنون یا صغر، از مرتکب رفع مسئولیت می‌شود (روزنامه حمایت، نخستین روزنامه حقوقی و قضایی کشور، ۱۳۹۴). عوامل موجهه ی جرم با زایل کردن عنصر قانونی نفس جرم و مجرمیت را از بین می‌برد اما علل رافع در منتفی کردن نفس جرم بی‌تاثیر اند.^۲

اهمیت و ضرورت

اهمیت و ضرورت آشنایی با نظام کیفری ایران و عوامل رافع مسئولیت کیفری و علاقه نگارنده با مقوله مورد بحث باتوجه به تغییر قانون جزا در این زمینه ضرورت دارد که عوامل رافع مسئولیت کیفری را مورد بررسی قراردهیم تا بتوان در پرتو این پژوهش به مباحث مبتنی بر این اصول دست یابیم.

بیان مسئله

جرم از عناصر سه گانه ای تشکیل می‌شود که با فقدان هر یک از آنها، پدیده مجرمانه منتفی است. با این حال، ارتکاب هر جرمی لزوماً به اعمال واکنش های اجتماعی منجر نمی‌شود، بلکه برای این کار ابتدا باید مسئولیت متهم احراز شود، زیرا مجازات اشخاص غیر مسئول بی فایده و ناعادلانه است. پس سه دسته از عوامل، یعنی عوامل موجهه جرم، عوامل رافع مسئولیت کیفری و معاذیر قانونی، مانع از مجازات می‌شوند (فخریناب، ۱۳۸۴:۳۸). همانطور که بیان کردیم زمانی می‌توان شخص را واجد مسئولیت کیفری دانست که عالم و مختار باشد؛ بنابراین ارتکاب اعمالی که وصف مجرمانه دارد از سوی فردی که به لحاظ داشتن شرایطی فاقد علم و اختیار نسبت به عمل ارتکابی است وی را از مجازات معاف می‌کند؛ بنابراین شرط اول، اراده و اختیار انسان در موضوع است. پس اگر مرتکب دخالتی در امر حادث نداشته باشد و یا اراده او به هر نحوی از انحاء ناقص یا زائل و غیر آزاد و مقید باشد، مسئول و قابل مجازات نخواهد بود. شرط دوم، شعور و علم می‌باشد، یعنی مرتکب آنچه را که می‌خواهد باید بشناسد، بنابراین شناختن و شعور بر واقعیت عمل ارتکابی نیز شرط احراز مسئولیت می‌باشد و در صورت وجود این شرایط، مرتکب مقصر بوده و مسئولیت خواهد داشت. اگر مرتکب جرم، در هنگام انجام جرم، معاون یا شریک داشته باشد، در اینجا فقط مسئولیت کیفری از وی ساقط می‌شود و معاون و شریک، همچنان مجرم بوده و باید مجازات شوند. در صورتی که فردی تحت اجبار، اکراه یا برای دفاع در موارد تعیین شده توسط قانونگذار که همان دفاع مشروع نامگذاری شده است، مرتکب عملی شود که در قانون جرم بوده و برای آن مجازات تعیین شده است، با وجود وصف مجرمانه این عمل، وی قابل مجازات نیست (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۴). از سوالات مطرح شده در این تحقیق بررسی عوامل رافع مسئولیت کیفری که به تشریح به آنها می‌پردازیم.

^۱- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، ج دوم، چ اول، پاییز ۱۳۷۱.

^۲- گلدوزیان، حقوق جزای عمومی ایران، ج ۲، چ ۴، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع‌آوری منابع مرتبط با موضوع پژوهش، با مطالعه و ترجمه آنها، از مطالب فیش برداری و یادداشت‌برداری شد، لذا پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل و استنباط از منابع حقوقی و جزایی موجود روش تجزیه و تحلیل و بررسی به صورت تحلیلی-توصیفی خواهد بود.

گفتار اول: مفهوم شناسی

مسئولیت

مسئولیت به معنی قابل‌بازخواست نمودن انسان آمده و غالباً به مفهوم تکلیف و وظیفه و آنچه که انسان عهده دار آن باشد، تعریف شده است؛ و مسئولیت را به معنای مسئول بودن نسبت به انجام دادن امری آورده اند.^۱

مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری، یعنی توانایی (قابلیت) انتساب فعل یا ترک فعل قابل مجازات یا اقدامات تأمینی به کسانی که توانایی تحمل بار مجازات یا اقدامات تأمینی را داشته باشند.^۲

عوامل موجهه جرم

عوامل موجهه جرم عبارت است از شرایط و اوضاع و احوالی عینی است که وصف مجرمانه را از رفتاری که در شرایط عادی جرم است، برداشته و صورتی غیر قابل سرزنش به آن می‌دهد (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۳۹).

عوامل رافع مسئولیت

شرایط و خصوصیتی که در شخص فاعل جرم مانع از قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به وی شده و به عدم مسئولیت و مجازات او منجر می‌شود. عوامل رافع مسئولیت کیفری شامل کودکی، جنون، اجبار، اکراه، اضطرار، اشتباه، مستی، خواب، بیهوشی می‌شود. (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۴۲).

علل رافع مسئولیت کیفری

ارتکاب جرم در شرایط عادی موجب مسئولیت جزایی است مگر اینکه مجرم، گاه به دلایلی نتواند بار مسئولیت را تحمل کند. در این شرایط می‌گویند نمی‌توان جرم را به مجرم نسبت داد و لذا مسئولیت از او زائل می‌گردد. شخصی که حین ارتکاب جرم فاقد قوه تمیز است نمی‌تواند مسئول بزه انجام یافته باشد؛ به عبارت دیگر توان تحمل بار مسئولیت و به تبع آن مجازات در این شرایط وجود ندارد. در کلیه مواردی که مسئولیت جزایی با عللی که زائل‌کننده آن هستند، مجرم قابل مجازات نخواهد بود. تنها باید به این نکته توجه داشت که علل رافع مسئولیت گاه به طور کامل مسئولیت جزایی را از بین نمی‌برند و گاه فاقد آنچنان نیرویی هستند که زائل‌کننده تام مسئولیت جزایی باشند.^۳ در این مبحث در دو قسمت علل رافع مسئولیت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

^۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۷۷، ش ۴.

^۲- رضا نوربها، تقریرات درس حقوق کیفری (کارشناسی ارشد) ص ۱۰.

^۳- <http://lawgostar.com>

- ۱- علل تمام رافع مسئولیت جزایی (کسودکی، جنون، اکراه، اجبار)
- ۲- علل نسبی رافع مسئولیت جزایی (مستی، خواب و بیهوشی، اشتباه)

گفتار دوم: مصادیق عوامل رافع مسئولیت کیفری

عواملی که با حفظ وصف مجرمانه و تحقق کامل جرم به جهت وجود شرایط خاص در مرتکب مسئولیت کیفری را از او بر می دارند، علل رافع مسئولیت می نامند که عبارتند از:

۱. **صغر:** تمیز نوعی شناخت است و اختیار همان اراده آگاه می باشد که هیچ یک از آن دو از هنگام تولد در وجود آدمی ظهور ندارند بلکه به مرور زمان همراه با رشد جسمی، توانایی های وی به دلیل همزیستی با هم نوع و کسب تجربه و علم، رشد می نماید. این امر از بدیهیات است و لذا قانونی را نمی توان یافت که ضمن بیان شرایط مسئولیت، سن لازم را متعرض نشده باشند؛ این سن در حقوق ایران برای پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری است.
۲. **جنون:** جنون یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است که سبب ضایع شدن عقل و فقدان رشد می گردد و علاوه بر اختلال قوای عقلی، اختلال اراده را نیز به دنبال دارد و در نتیجه اختیار را نیز از بین می برد؛ از اینرو ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد مقصود قانون «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است» از جنون تمام حالاتی است که قوای عقلی از آنها متأثر گردیده و در نتیجه قدرت اراده و تشخیص را به نحوی که در افراد عادی وجود دارد از بین ببرد.^۱

۳. **مستی:** گاهی بر اثر استعمال مواد مخدر یا سکر آور، رشد انسان از میان رفته و اراده وی ضعیف شده و در همان حالت مرتکب عمل مجرمانه ای می گردد؛ از اینرو مجازات چنین شخصی که فاقد شرایط مسئولیت کیفری می باشد، سوال برانگیز خواهد بود؛ لذا قانونگذار در ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی می گوید «اگر کسی بر اثر شرب خمر مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده نیز محکوم می گردد».

۴. **خواب و بیهوشی:** قانونگذار در تدوین قوانین جزایی و در مبحث علل رافع مسئولیت کیفری که یکی از موضوعات فرعی حقوق جزای عمومی است و اغلب تحت عنوان حدود مسئولیت جزایی ذکر می شود؛ صراحتاً در این دو موضوع سخنی به میان نیاورده است، اما آیا عدم عنوان نمودن این موضوعات در قانون بمنزله حذف آنها از لیست علل رافع مسئولیت می باشد؟ جواب قطعاً منفی است. چرا که این مسأله از قواعد مسلم حقوق ج را است و مسلماً قابلیت انتساب در اینگونه موارد مشکل است چرا که فرد در حالت خواب و بیهوشی قوه تمیز خوب و بد را ندارد و به فرض اینکه این توانایی هم در وی باقی باشد، قادر به کنترل رفتار خود نیست و اراده اش مختل می باشد. قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۲۲۵ ضمن ذکر شرایط قصاص در فصل چهارم از باب اول، چنین آورده است «هر گاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد، قصاص نشده و فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد»؛ و در مبحث موجبات ضمان در ماده ۳۲۳ مقرر می دارد: «هر گاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود، جنایت او بمنزله خطای محض بوده و عاقله او عهده دار می باشد».^۲

۵. **اشتباه:** اشتباه عبارت است از تصور خلاف واقع از یک شیء مادی یا معنوی، در تعریف اشتباه آورده اند: «تصور یک حالت ذهنی است که می تواند مطابق با واقع باشد یا نباشد؛ در صورت اخیر، اشتباه ایجاد می شود. باید توجه داشت که صرف تصور

^۱ - محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، ۱۳۸۵.

^۲ - محسن خدائی، "بررسی مستی و خواب و بیهوشی بعنوان علل رافع مسئولیت کیفری"، مجله دادرسی، سال اول، ص ۴۳

خلاف واقع بدون اینکه در عالم خارج بصورت رفتار، گفتار یا ترک رفتار نمود داشته باشد نمی تواند از نظر حقوقی منشاء اثر باشد.

۶. اکراه: اکراه در لغت، به معنی کسی را به زور و ستم به کاری و داشتن، کسی را خلاف میل خود او به کاری مجبور کردن آمده است (عمید، ۱۳۵۷: ۲۱۱)؛ و در اصطلاح اکراه عبارت است از الزام و اجبار به چیزی که شخص آن را بد بدارد، طبعاً یا شرعاً و برای این کار اقدام نمی شود مگر برای دفع کار مضرت از آن (دهخدا، ۱۳۶۴: ۳۱۹). اکراه در مفهوم اصطلاحی ترمینولوژی حقوق چنین آمده «اکراه عملی است تهدید آمیز از طرف کسی نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل حقوقی مورد نظر اکراه کننده» (جعفر لنگرودی، ۱۳۸۳: ۷۳). دکتر میرمحمد صادقی می نویسد در اکراه برخلاف اجبار شخص مرتکب، اراده ی انجام عمل مجرمانه را دارد لیکن این کار را به دلیل وجود تهدید شخص دیگر و برای گریز از خطری که از ناحیه ی تهدیدکننده متوجه وی بود مرتکب می شود. دکتر ولیدی نیز معتقدند: «اکراه عبارت است از وادار کردن دیگری بر انجام دادن یا ترک عملی که از آن کراهت دارد» (ولیدی، ۱۳۸۰: ۹۷).

در امور کیفری، اکراه در پاره‌ای از جرایم و تحت شرایطی خاص از عوامل رفع مسئولیت کیفری است. عوامل رفع مسئولیت کیفری یا موارد رفع مسئولیت ناشی از علل غیرقابل انتساب، کیفیاتی هستند نفسانی و درونی که به موجب آن، با وجود وقوع جرم و اجتماع عناصر متشکله جرم، به دلیل وجود این علل، جرم به مرتکب نسبت داده نمی شود و در نتیجه شخص مبری از مسئولیت و کیفر می شود.

در ماد ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده: «هرگا کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، مجازات نمی گردد. در جرایم موجب تعزیر اکراکننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود. در جرایم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط عمل می شود». در این ماده که نسبت به ماده ۵۴ قانون قبل دستخوش تغییراتی شده است شرایط اکراه به ترتیب زیر خواهد بود:

۷. اضطراب: اضطراب به معنای احتیاج و ناچاری و ناگزیری و درماندگی است. از لحاظ حقوقی حالتی است که انسان خود را در تنگنایی بیابد و برای گشایش آن ناچاراً دست به کاری زند. در حقوق جزا وضع اضطراب آمیز آنچنان وضعی است که انسان برای حفظ جان یا مال یا حق خود یا دیگران ناچار از ارتکاب جرم شود. اضطراب صفتی است که در اثر قرار گرفتن شخص در آن شرایط و موقعیت، بر وی عارض می شود. روی آوردن مضطر به فعلی که در شرایط عادی و غیر اضطرابی حرام است، از عروض صفت یا حالت اضطراب بر وی ناشی می شود و عروض صفت یا حالت اضطراب نیز خود، معلول وجود شخص در شرایط و موقعیت اضطرابی است.

ماده ۱۵۲ قانون مجازات ۱۳۹۲، در خصوص اضطراب است که از علل موجهه جرم محسوب می شود نه عوامل رافع مسئولیت کیفری، ولی نکته جالب توجه این است که اضطراب در میان مواد مربوط به عوامل رافع مسئولیت کیفری آورده شده است. برخی ضرورت و اضطراب را یکی می دانند و هر دو عنوان را زیرمجموعه علل موجهه جرم بحث می کنند. در مقابل عده‌ای ضرورت و اضطراب را از هم تفکیک نموده‌اند.^۱

شرایط رفع مسئولیت در اضطراب عبارت است از:

بروز خطر شدید قریب الوقوع باشد؛ فرد به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتار مجرمانه شود؛ مرتکب خطر را عمدی ایجاد نکند؛ رفتار ارتكابی مرتکب با خطر موجود متناسب باشد؛ رفتار ارتكابی برای رفع آن خطر ضرورت داشته باشد.

^۱ عوامل رافع مسئولیت کیفری، موسسه حقوقی تندیس تدبیر و امید tandis-tadbiromid.ir

کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطرند، نمی‌توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع کنند. البته به نظر می‌رسد به صورت مطلق این افراد مکلف به ایفای وظایف قانونی باشند؛ زیرا برای مثال اگر مأموریت آنان موجب بروز خطر نسبت به دیگران شود ظاهراً می‌توانند از ایفای وظایف خود خودداری کنند. مثلاً اگر نجات کسی که در دریا غرق شده است توسط مأمور نجات موجب به خطر افتادن عده‌ای دیگر شود در این صورت مأموران، نباید برای نجات فرد غرق شده اقدام کنند. در خصوص شرایط اضطرار در قانون جدید نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰ تفاوتی به چشم نمی‌خورد جز اینکه در قانون جدید برخلاف قانون مصوب ۱۳۷۰، در خصوص جبران خسارت (ضمان مالی) و دیه، ماده‌ای به چشم نمی‌خورد. این موضوع شاید به دلیل توجه نکردن مقنن باشد وگرنه دلیلی بر خروج مقررات جبران خسارت از شمول اضطرار وجود ندارد.^۱

۸. اجبار: اجبار موقعیتی است که در آن اراده آزاد شخص مرتکب، در زمان ارتکاب جرم زایل می‌شود. اکراه یعنی وادار کردن دیگری بر عمل یا ترک عملی که از آن کراهت دارد، مشروط بر آن که این وادار کردن با تهدید جانی یا عرضی یا مالی مهم از جانب اکراه‌کننده توأم باشد. یکی از تفاوت‌های عمده اجبار و اکراه این است که در اجبار مادی، شخص مرتکب، فاقد اراده، قصد و اختیار است در حالی که در اکراه شخص می‌تواند خود را با اجرای قانون هماهنگ و از ارتکاب جرم به هر قیمتی اجتناب کند، بنابراین اکراه‌شونده با اختیار و آزادانه و با داشتن حق انتخاب، ولی بدون رضای واقعی، آگاهانه تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. در قانون جدید از اجبار سخنی به میان نیامده و در ظاهر واژه «اکراه غیرقابل تحمل» به عنوان مترادف با واژه اجبار است؛ اگرچه این دو در ماهیت یکی نیستند، زیرا اجبار قصد را زایل می‌کند و اکراه رضایت را از بین می‌برد؛ به عبارت دیگر شخص مجبور فاقد قصد در ارتکاب جرم است، ولی فرد مکره واجد قصد است ولی رضایت واقعی به ارتکاب جرم ندارد.

برای اینکه اجبار، مانع از تحقق مسئولیت کیفری شود وجود سه شرط ضرورت دارد:

الف- غیر قابل مقاومت بودن اجبار

ب- غیرقابل پیش‌بینی بودن واقعه

ج- فقدان تقصیر قبلی شخص مجبور

اجبار مادی با منشأ درونی (داخلی): در مواردی که تاثیر عامل جسمانی و درونی به اندازه‌ای باشد که آزادی اراده و اختیار شخص را از بین ببرد چنین عاملی موجب فقدان مسئولیت کیفری مرتکب جرم می‌شود، مانند بیماری غیرقابل تحمل و ارتکاب جرم یا گرسنگی شدید و سرقت مواد غذایی.

اجبار معنوی (اکراه) با منشأ خارجی (بیرونی): اجبار معنوی بیرونی از عوامل عدم انتساب اتهام و رافع مسئولیت کیفری است. اکراهی که از خارج بر اراده مرتکب وارد می‌شود ماهیتاً مشمول ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ است به شرط آنکه اکراه عادتاً غیر قابل تحمل باشد.

¹ -www.naserifar.com

اجبار معنوی (اکراه) با منشأ درونی (داخلی): مانند میل شدید به انتقام‌جویی یا تعصب خاص خانوادگی، میهنی یا مذهبی یا عشق و هیجان درونی. این مورد می‌تواند از جهات مخففه محسوب شود نه عوامل رافع مسئولیت کیفری. نحوه اعمال مجازات در زمینه اکراه در قانون جدید تفاوتی با قانون مصوب ۱۳۷۰ ندارد.

گفتار سوم: تفاوت های موجود بین اکراه واضطرار

اضطرار، به نیاز شدید غیرقابل مقاومتی گفته می‌شود که به منظور حفظ حیات، مال و ... فرد را ناچار به ارتکاب جرم می‌کند؛ در حالی که هم واجد قصد است و هم واجد اراده. حال آنکه در اکراه، فرد به ارتکاب جرم راضی نیست؛ به عبارت دیگر در اجبار، جان‌شینی اراده پیش می‌آید و اراده اکراه شده سلب شده و اراده اکراه‌کننده جایگزین آن می‌شود. در حالی که در اضطرار، اراده وجود دارد اما فرد ناگزیر به انتخاب یکی از دو امر است و او ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند تا از خطری که تهدیدش می‌کند، بگریزد.

الف- در موقعیت مضطر و مکره و منشأ خطری که آن دورا تهدیدی کند تفاوت وجود دارد. در اکراه منشأ تهدید و خطر همیشه یک عامل انسانی است که عاملی خارجی محسوب می‌شود؛ یعنی فردی که با بکارگیری قدرت و توانایی خود یا با سوءاستفاده از موقعیت خویش، دیگری را وسیله ارتکاب عمل محرم قرار داده، او را وادار به ارتکاب عمل مزبور می‌نماید؛ اما در اضطرار غالباً یک حالت یا صفت فرد که عامل داخلی است مضطر را به ناچاری می‌کشاند مانند گرسنگی یا تشنگی. اکراه فعل اکراه‌کننده است در حالی که اضطرار صفت مضطر.

ب- اضطرار موجب فساد اختیار و اراده مضطر نمی‌شود؛ اما اراده و اختیار مکره محدود می‌شود. در اضطرار مضطر خود را در شرایطی می‌بیند که خروج از آن مستلزم ارتکاب فعلی حرام است. شرایط و موقعیت تهدید آمیز اغلب به صورت طبیعی ایجاد شده و انسان در بروز آن دخالت ندارد. مضطر در تحمل صدمه و ارتکاب جرمی که موجب اجتناب از ورود صدمه و زیان می‌گردد مختار بوده و امکان انتخاب دارد یعنی می‌تواند با فدا کردن جان و مال خود از ارتکاب جرم پرهیز کند.

ج- تفاوت در انگیزه و داعی است. در اکراه داعی یا انگیزه، رفع ضرری است که مکره با آن مستقیماً مواجه است، در حالی که اضطرار رفع ضرورتی است که مضطر در آن واقع شده است.

گفتار چهارم: شباهت های بین اکراه واضطرار

الف- هر دو در معرض خطر قرار دارند و در صورت عدم اقدام، تهدیدی که علیه آنها به عمل آمده است به فعلیت می‌رسد و موجب زیان یا تلف نفس آنان می‌شود.

ب- راه‌هایی از خطر موجود یا تهدید به عمل آمده در هر دو مورد، اقدام به انجام عملی است که در شرایط عادی نامشروع و نارواست.

ج- سومین تشابه این است که در اکراه و اضطرار فرد به موضع ناچاری و اضطرار می‌رسد. به گونه‌ای که راهی جز تن دادن به خطر یا تهدید و یا اقدام به ارتکاب فعل مجرمانه برای وی باقی نمی‌ماند.

د- اکراه و اضطرار هر دو از عناوین ثانویه بوده سبب تغییر حکم شرعی عمل ارتكابی شده و در نتیجه، مانع توجه مسئولیت کیفری می‌شوند.

ه- هر دو موجب فقدان رضایطیب خاطر هستند.

گفتار پنجم: موانع مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده ۱۴۶- افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.

ماده ۱۴۷- سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

ماده ۱۴۸- در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود.

ماده ۱۴۹- هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.

ماده ۱۵۰- هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی مخل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود.

شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او میتوانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیراین صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می کند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند. این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

تبصره ۱- هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر میافتد. نسبت به مجازات هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

تبصره ۲- قوه قضاییه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضایی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می شود.

ماده ۱۵۱- هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می شود.

ماده ۱۵۲- هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

تبصره- کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می باشند نمی توانند با تمسک به این ماده از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.

ماده ۱۵۳- هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می شود، عمداً بخوابد و یا خود را بیهوش کند.

ماده ۱۵۴- مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب اختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می شود.

ماده ۱۵۵- جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

تبصره- جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.

ماده ۱۵۶- هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده دفاعکننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.

تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می شود.

ماده ۱۵۷- مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است.

ماده ۱۵۸- علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.

ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

ث- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.

ج- هر نوع عمل جراحی یا طبیبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.

ماده ۱۵۹- هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند لکن مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.

گفتار ششم: تفاوت علل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری

علل موجهه جرم عواملی هستند که در صورت تحقق، عملی را که به حکم قانون جرم تلقی شده است از وصف مجرمانه بودن خارج می سازند. علل موجهه جرم ناظر به شرایط و عوامل خارجی است؛ اما عللی چون نقصان های جسمی و روانی مرتکب جرم را که جنبه شخصی دارند، عوامل رافع مسئولیت کیفری می نامند. علل موجهه جرم عبارتند از: مشروعیت ارتکاب جرم به حکم قانون، مشروعیت ارتکاب جرم به امر آمر قانونی، دفاع مشروع، اضطرار، رضایت مجنی علیه.

نتیجه

در مقابل علل موجهه جرم، عوامل رافع مسئولیت کیفری قرار دارد. این عوامل، به شرایط شخصی و ذهنی در مرتکب گفته می شود که با وجود وقوع جرم، موجب رفع مسئولیت کیفری از فاعل آن می شوند. منظور از مسئولیت کیفری، اهلیت تحمل برخورد قانونی مجازات در برابر ارتکاب رفتار مجرمانه است. اشخاص از جهت مسئولیت کیفری به دو گروه دارای مسئولیت کیفری و اشخاص فاقد مسئولیت کیفری تقسیم می شوند. منظور از اشخاص دارای مسئولیت کیفری، اشخاصی است که توانایی هایی نظیر درک، اختیار و بلوغ را دارا هستند؛ اما اشخاص فاقد مسئولیت کیفری فاقد چنین توانایی هایی بوده و به

جهاتی مانند صغر، جنون، مستی، اکراه. از تحمل مجازات معافند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۴۶ تا ۱۵۹ به بحث موانع مسئولیت کیفری اختصاص داده شده است که در جرائم عمدی با فقدان قصد مجرمانه در عمل ارتكابی، حسن نیت جایگزین قصد مجرمانه گردیده و کیفر را منتفی می‌سازد؛ بنابراین در کلیه مواردی که مسئولیت جزایی با عللی که زائل کننده آن هستند، مجرم قابل مجازات نخواهد بود. تنها باید به این نکته توجه داشت که علل رافع مسولیت گاه به طور کامل مسئولیت جزایی را از بین نمی‌برند و گاه فاقد آنچنان نیرویی هستند که زائل کننده تام مسولیت جزایی باشند؛ بنابراین در عوامل رافع مسئولیت کیفری، شخص از مسئولیت کیفری مبرا است ولی مسئولیت مدنی به قوت خود باقی است.

منابع

۱. افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۷) حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ج ۲.
۲. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۰) حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ج ۱، ص ۲۰۶-۱۷۲.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵) حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان.
۴. بابایی، محمد علی (۱۳۹۰) جرم شناسی بالینی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۵. بهجت، محمد تقی (۱۳۸۵) جامع المسائل، جلد پنجم، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر آیت الله بهجت.
۶. پیمانی ضیاء الدین، تفصیل قواعد دفاع مشروع در حقوق جزایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷.
۷. پشاوند پاک، المیرا (۱۳۹۱) پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، واحد تهران، تابستان.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۹. حسینی، سید محمد (۱۳۹۴) مقاله جنون به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلیس، مطالعات حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان.
۱۰. حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۴)، مقاله مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسوولیت کیفری
۱۱. خالقی، علی (۱۳۸۸) آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی
۱۲. شهر دانش.
۱۳. خالقی، علی (۱۳۸۸) نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۴. خالقی، علی (۱۳۸۸) آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۵. خدائی، محسن (۱۳۹۲)، بررسی مستی و خواب و بیهوشی بعنوان علل رافع مسئولیت کیفری، مجله دادرسی، سال اول، ص ۴۳.
۱۶. شکیبادیزگوین، مریم (۱۳۸۴) بررسی تطبیقی عوامل رافع مسئولیت کیفری در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و حقوق کیفری ایران، پایانامه.
۱۷. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۸) حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ نهم، ج ۱، صص ۳۸۰-۳۱۳.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین ابن محمد (۱۴۱۵) مسالک الافهام، ج ۲، قم، مکتبه بصیرتی.
۱۹. صلاحی، جاوید (۱۳۸۶) کیفرشناسی، اب اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۲۰. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵) حقوق جنایی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی.
۲۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۶) حقوق جزای عمومی ایران، ج ۲، چ ۴، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

۲۲. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷) طبقه بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶.
۲۳. میرسعیدی، سید منصور (۱۳۸۶) مسئولیت کیفری، جلد اول (قلمرو و ارکان) چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۲۴. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۶) جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۵. محمد معین، فرهنگ فارسی (۱۳۶۶) چاپ دهم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ج ۳، ص ۷۷، ش ۴.
۲۶. میلانی، علیرضا؛ توسلی، قاسمعلی (۱۳۹۴) مقاله موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و حقوق بین المللی، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۱.
۲۷. نوریها، رضا (۱۳۸۴) زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۲۸. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۱) حقوق جزای عمومی، ج دوم، چ اول، پاییز.
۲۹. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۱) حقوق جزای عمومی، ج دوم، چ اول، پاییز.
۳۰. یوسفی، قنبرعلی (۱۳۹۴) مقاله بررسی جنون به عنوان یکی از اسباب رافع مسئولیت کیفری، مسئولیت فصلنامه علمی تخصصی.
۳۱. هرینگ، جانانان (۱۳۹۲) مبانی حقوق کیفری انگلستان، ترجمه امیر اعتمادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.

Investigating the Causes of being no longer Subject to Criminal Liability in Iranian Law

Rohollah Mohammadi

PhD candidate of criminal law and criminology, Islamic Azad University, Branch of Yasooj, Iran.

Abstract

Articles 146 to 159 of the Islamic Penal Code adopted in 1392 has dealt with criminal liability and impediments to it. In order for criminal liability to fulfill, a person must be eligible for criminal capacity, which is summarized in sanity, maturity and authority. This means that only sane, mature and autonomous persons are to be punished and if a person lacks one of these three features, they will not have criminal capacity. In cases of presence of factors that absolve criminal liability, a person is no longer subject to criminal liability, but civil liability still remains. In terms of criminal responsibility, persons are divided into two groups, one group with and the other without criminal liability. Factors that remove criminal responsibility shall be divided into different instances such as insanity, childhood, mistake, coercion, force, compulsion, drunkenness, sleep, and unconsciousness, which many professors of law call absolute and relative causes of criminal liability. The method used in this research is descriptive-analytic.

Keywords: criminal liability, criminal law, coercion, force, compulsion, insanity.
